

سخن و آپولو

(دو نشریه ادبی جریان‌ساز در ایران و مصر)

حبيب الله عباسی

دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

این نوشتار، با تکیه بر این نکته که رویدادهای فرهنگی صد سال اخیر ایران و جهان عرب سخت شبیه هم است، دو نشریه جریان‌ساز ایرانی و مصری - سخن و آپولو - را مورد بررسی قرار می‌دهد. هنوز صدای این دو نشریه تأثیرگذار را که حلقه پیوند ادبیات سنتی و مدرن به شمار می‌روند، می‌توان از دیواره زمان شنید. در این مقاله ابتدا به اجمال این دو نشریه که به همت خانلری و ابوشادی منتشر می‌شدند، معرفی شده است. در پایان به برخی قدرمشترک‌های این دو نشریه اشاره شده است؛ قدر مشترک‌هایی مانند وارد کردن حال و هوایی جدید در حوزه شعر، گسترش شعر تمثیلی و نمایشی، وضع مبانی و معیارهای جمال‌شناسی جدید، رویکرد اعتدالی به ادبیات اروپا به‌ویژه شعر، ترجمه و نقد؛ چاپ و انتشار آثار شعری و تحقیقاتی مدرن، معرفی و شناسایی بسیاری از چهره‌های شاخص ادبیات عرب و ایران برای اولین بار، به دور بودن هر دو نشریه از گرایش‌های سیاسی و حزبی و نظریه‌پردازی و جریان‌سازی هر دو نشریه در حوزه شعر.

کلیدواژه‌ها: آپولو، سخن، ایران، عرب، ادبیات جدید، شعر و...

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۸۵/۷/۱۴

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۴، شماره ۵۴ و ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵

(۱) طرح مسئله

استاد شفیع کدکنی در مقدمه چاپ جدید کتاب شعر معاصر عرب می نویسد: «آب در ظروف مرتبطه در یک سطح قرار می گیرد. آنچه در این صدساله در شعر عربی اتفاق افتاده است عیناً در شعر فارسی نیز روی داده است، با تفاوت‌های مختصری که برخاسته از شرایط متفاوت فرهنگ‌ها و ساختارهای حیات این دو قوم است» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۵). جریان تجدد یا مدرنیسمی که در میان دو قوم ایرانی و عربی، عملاً با جنبش‌های نهضت و مشروطه در مصر و کشورهای عربی و ایران آغاز شد، مصداق بارزی برای این حکم «آب در ظروف مرتبطه است». این جریان نوگرایی در ظروف و شرایطی تقریباً مشابه، افتان و خیزان تداوم یافت و عوامل متعددی در گسترش و تداوم آن مؤثر بودند. نقش برخی جمعیت‌ها و گروه‌های فرهنگی را در این میان نمی‌توان نادیده گرفت. این جمعیت‌ها با انتشار مجله در گسترش و ترویج جریان مدرنیسم در ایران و سرزمین‌های عربی، کوشیدند. از این رهگذر تأثیر شگرف و انکارناشدنی در اتفاق‌های جهان عرب و کشور ایران داشتند، به‌ویژه در تکوین و شکل‌گیری جریان مدرنیسم ادبی اعم از خلاقه و آکادمیک آن و اثبات این امر که «آب در ظروف مرتبطه در یک سطح قرار می‌گیرد».

دو نشریه سخن و آپولو - که در بدو امر ارگان رسمی دو جمعیت نوین «جماعت آپولو» و «جامعه لسانسیه‌های دانشسرای عالی» بودند - از میان دیگر نشریاتی که در آن روزگار منتشر می‌شد، تأثیرگذارتر بودند، چنان‌که هنوز می‌توان صدای تجدد اعتدالی آن‌ها را از دیواره زمان شنید و زیر لب این سروده ابوتمام، شاعر عرب را زمزمه کرد:

ثم انقضت تلك السنون و اهلها
كانها و كانهم احلام^۱

این دو نشریه جریان‌ساز معاصر نماینده واقعی جریان نوگرایی بودند که کشورهای اسلامی (ایران و مصر) در مواجهه با تمدن جدید در یک موقعیت تاریخی - فرهنگی

مشابه به آن روی آوردند. این دو مجله ضمن آن که حلقه پیوند این کشورها با غرب بودند، با اقتدار تمام کنترل کننده جریان تجدد نیز هم. چنان که نه گرفتار تندروی های نوگرایان شدند و نه اسیر واپس گرایی های سنت گرایان.

این دو نشریه فرهنگی، با وجود فاصله زمانی حدود دو دهه در شرایط اجتماعی سیاسی تقریباً مشترک، به کردار کشورهای غربی به آستانه مدرنیسم فردگرا وارد شدند.

در این جا بایسته می نماید که پیش از اشاره به قراین و اماراتی که نشان دهنده نمایندگی این دو نشریه از جریان نوگرایی اعتدالی باشد به اجمال، سخن و آپولو را معرفی کنیم و آن گاه به آن دسته از وجوه مشترک میان آنها اشاره کنیم که مبین جریان ساز بودن و نمایندگی آنها از جریان اعتدالی تجدد است.

۲) نشریه سخن

اهل سخن نه‌ای، ز سخن گر به هیچ روی
ی‌آدآوری و هیچ از او ی‌آد ناوری
(مظاهر مصفا)^۲

مجله ادبی سخن که بعدها پایگاه علمی و ادبی سخنوران بسیاری شد و همچنین عامل ارتباطی روشنفکران و پایگاه اقتدار معنوی آنان، به همت استاد دکتر پرویز ناتل خانلری^۳ تأسیس شد، استاد در این باره می گوید:

«اصل ایجاد سخن از آن جا شروع شد که جامعه لسانسیه های دانشسرای عالی مجمعی داشتند و آن جا تصمیم گرفتیم که مجله ای داشته باشیم، ارگان آن جمعیت. در آن جا اسم بنده به میان آمد و قرار شد که امتیازش را بگیرم، ولی من هنوز سنم کم بود، چون [صاحبان امتیاز] می بایست ۳۰ سال داشته باشند، قرار گذاشتیم با آقای دکتر صفا که او امتیازش را بگیرد ولی من سردبیرش باشم تا سه چهار شماره به همین نحو در آمد، آقای دکتر صفا بیشتر مایل بود که تاریخ ادبیات خودش را تدارک بکند. . .

بعد از چند شماره استعفا داد و بنده هم به سن بلوغ رسیده بودم و امتیاز را به نام خودم گرفتم، از جامعه لیسانسیه‌ها هم بعد از پنج شش شماره ناچار شدم کنار بکشم، زیرا که خرج مجله به گردن بنده افتاده بود و از بودجه جامعه لیسانسیه‌ها هم بوی خیر نمی‌آمد، ضمناً آن‌ها هم از من راضی نبودند و عقیده‌شان این بود که بولتنی داشته باشند که اخبار جامعه لیسانسیه‌ها در آن درج شود، به این جهت جدا شدیم، به این شرط که امتیاز را بنده داشته باشم و در عوض پول‌هایی که بنده بدهکار بودم از آن‌ها نگیرم، به این ترتیب غائله ختم شد، بنده هم درصدد آن برآمدم که مجله سخن را آن‌طور که میل دارم در بیاورم. . . .» (خانلری، ۱۳۶۹: ۸).

دوره نخست مجله سخن با انتشار اولین شماره آن در خردادماه ۱۳۲۲ و با همکاری عده‌ای از جوانان با ذوق و نواندیش مانند هدایت، بزرگ علوی، شهید نورایی و . . . آغاز به کار کرد و پس از سه دوره به علت مسافرت تحقیقاتی استاد خانلری به کشور فرانسه متوقف شد. این نشریه از اول آذر ۱۳۳۱، مجدداً منتشر شد و انتشار آن در آغاز هر ماه تا سال ۱۳۵۷ بی‌وقفه، ادامه یافت. ره‌آورد این فعالیت مداوم استاد خانلری ۲۷ دوره سخن در سی هزار و یکصد صفحه بود که در تاریخ فرهنگ ما به صورت یک دایرةالمعارف باقی مانده است.

خانلری منشأ خدمات علمی و فرهنگی بسیاری در ایران شده است؛ اما بزرگ‌ترین خدمت خانلری را انتشار مجله سخن می‌دانند (بزرگ علوی، ۱۳۷۶: ۲۳). در تمام سال‌های انتشار این مجله اگرچه خانلری اولین سردبیر و ناخدای همیشگی این کشتی بود؛ اما افرادی فرهیخته و کارآمدی در ادوار مختلف آن عهده‌دار سمت سردبیری آن بودند. پس از او به ترتیب احمد بیرشک، احسان یارشاطر، ناصر پاکدامن، علیرضا حیدری، قاسم صنعوی، تورج فرازمنند، حسن هنرمندی، ابوالحسن نجفی، محمود

کیانوش، رضا سیدحسینی، ایرج افشار و هوشنگ طاهری سردبیری سخن را عهده دار بودند.

۲-۱) موضوعات سخن

این نشریه که در حکم مکتب نواندیشی و نوآوری در حوزه‌های ادبیات، هنر، موسیقی و مباحث جدی فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رفت، نه با شیوه سنتی سازگار بود و نه تندروی و بی‌بندوباری بیگانه پرستان را برمی‌تافت، لذا راز خلاقیت و سرآمد شدن را در گرو یک دیالکتیک متعادل وابستگی به سنت و میراث نیاکان - که برای اثبات آینده و هویت ما ضروری است - و گریز از سنت می‌دانست. این نشریه در حوزه‌های مختلف ادبی و هنری و اجتماعی و فرهنگی، حوزه‌هایی مانند شعر، داستان، ترجمه آثار ادبی و هنری و فرهنگی جهان و تحقیقات و نقد ادبی فعالیت چشمگیری داشت. از همین رو هماهنگی سخن با دنیا و معنویات را راز موفقیت خانلری دانسته‌اند و از آن به عنوان دایرةالمعارفی یاد کرده‌اند که هر پژوهشگری را به کار آید (همان، ۲۴).

سخن به عنوان یک مجله ادبی و فرهنگی پیشرو و نوجو اعتبار و شهرت شایانی کسب کرده بود. ایرج افشار علت این اعتبار و اشتها را به دو مناسبت می‌داند:

«یکی روی آوردن به نشر شعر و داستان و نمایشنامه‌های نو اروپایی و ملل دیگر بود که پیش از آن در مجله‌های فارسی مرسوم دیده نمی‌شد. پس نخست توانست در پیچه‌ای بر دیوار حائل میان ایرانیان و ادبیات معاصر خارجی بگشاید و به تشنگان از زلال چشمه‌سار ادبی نو جرعه‌های گوارا بنوشاند. مناسبت دیگر چاپ کردن نوشته‌ها و سروده‌های گروهی نویسنده تازه نفس بود که پیش از آن آثارشان چندان در نشریات فارسی دیده نمی‌شد. نوشته‌ها و سروده‌های آنان عطش تشنگان تازه‌خواهی و نوجویی را فرو می‌نشانند» (افشار، ۱۳۷۶: ۳۵).

این مجله علاوه بر نشر شعر و داستان و نمایشنامه‌های نو اروپایی و ملل دیگر جهان، نوشته‌ها و سروده‌های گروهی نویسنده تازه نفس را نیز منتشر می‌ساخت. همچنین در کنار انتشار مقاله‌های ادبی، فلسفی و اجتماعی و مقاله‌هایی انتقادی به معرفی نقاشی مدرن، نقد کتاب و نشر اخبار فرهنگی جهان نیز می‌پرداخت. برخی از این نقدها و گفتارها در نوع خود بی‌سابقه بود. اغلب مطالبی که در این مجله وزین به چاپ می‌رسید، عمدتاً در موضوع‌های زیر بود:

(۱) داستان‌های نویسندگان معاصر (۲) سروده‌های ابداعی شاعران معاصر (۳) مقالات فلسفی و اجتماعی (۴) معرفی نقاشی مدرن (۵) معرفی و نقد کتاب (۶) نشر اخبار فرهنگی جهان^۴

(۳) مجله آپولو

أبولو مرحباً بك يا أبولو
فأنك من عكاظ الشعر ظل
(احمدشوقی^۵)

در نیمه نخست سده بیستم که حوادث شگرف و شگفتی در گوشه و کنار جهان، به‌ویژه اروپا روی داد، در سرزمین‌های عربی نیز هم، به‌ویژه کشور مصر، رویدادهای بسیاری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی به وقوع پیوست. در همین دوره انجمن‌ها و جمعیت‌های ادبی و هنری متعددی در حوزه ادبیات عرب شکل گرفت، دو جمعیت صاحب‌نام و تأثیرگذار بر جریان ادبیات معاصر عرب، به‌ویژه شعر معاصر، در همین کشور مصر به منصفه ظهور رسیدند، نخست «جماعت دیوان» تحت تأثیر خلیل مطران و با همیاری ابراهیم عبدالقادر المازنی^۶. این جماعت به کردار «جمعیت دانشکده»^۷ علیه سنت‌های شعر کلاسیک، به‌ویژه «عمودالشعر» عصیان کردند و دیگر به کردار سنت‌گرایان معتقد نبودند که اسلاف، بر و بوم سخن را رفته‌اند و «لیس

فی الامکان، ابداع مما کان». اگرچه «جماعت دیوان»، مفاهیم و مضامین جدیدی را وارد شعر کردند؛ اما در صورت و فرم بیرونی، هم‌چنان از چهارچوب سنت تخطی نکردند. در اوایل دهه سی، تحت تأثیر ادبیات اروپایی، جمعیت شعری پیشروی به نام «جماعت آپولو» در شهر قاهره شکل گرفت، در سپتامبر ۱۹۳۲ م. گروهی ادیب و شاعر و منتقد گرد هم فراز آمدند و اساس این مکتب ادبی را بنیان گذاشتند و با الهام از اساطیر یونان نام آپولو را برای آن اختیار کردند. خبر تأسیس آن، اول بار به وسیله شاعر رمانتیک مصر، دکتر احمد زکی ابوشادی^۸ (۱۸۹۲-۱۹۵۵م)، مؤسس اصلی جمعیت منتشر شد. این جمعیت که اعضای اولیه آن عبارت بودند از احمد محرم، ابراهیم ناجی، علی محمود طه، کامل کیلانی، احمد ضیف، احمد الشایب، محمود ابوالوفاء و حسن کامل الصیرفی و غیره، در نخستین جلسه، احمد شوقی را به عنوان رئیس جمعیت برگزید، هنوز یک ماه از این انتخاب نگذشته بود که مرگ او را دربر بود و خلیل مطران جایگزین او شد. دکتر ابوشادی در تمام مدت، دبیر این جمعیت بود. این جمعیت از همان آغاز برای نشر سروده‌ها و آثار خود به انتشار مجله‌ای به نام آپولو اهتمام کرد.^۹

در شماره نخست مجله (آوریل ۱۹۳۳)، محورهای فعالیت‌های جمعیت بدین شرح اعلام شد:

۱. اعتلای شعر عرب و جهت دادن به شاعران.
۲. حمایت از نهضت‌ها و جریان‌های هنری و ادبی در حوزه شعر.
۳. ارتقای زندگی شاعران در سطوح مختلف مادی، ادبی و اجتماعی و دفاع از کرامت انسانی آنان.

ابوشادی در همین شماره «دبستان آپولو را دبستان تعاون، انصاف و اصلاح و نوآوری» وصف می‌کند (ابوشادی، ۱۹۳۳: ۱) و هدف اصلی آن را هدایت شاعران از

ظلمت به نور و گسترش افق شعر عربی و گشودن قید و بندهای سنت به‌ویژه «عمودالشعر» از پای شاعران و آشنا کردن آن‌ها با ادبیات جهان و جریان‌های فکری جدید آن و پوشاندن لباس نوی بر قامت شعر و جستن معانی و مضامین تازه می‌داند. وجه غالب فعالیت‌های این نشریه، نوآوری و تجدد در حوزه شعر بود. نسل جوان آن، از همه در نوآوری و تجدد گستاخ‌تر بودند و بیشتر متأثر از وضعیت سیاسی و انقلاب ۱۹۱۹. این جمعیت می‌خواست هم وحدت رمانتیک شعر و هم وحدت موضوعی آن را محقق سازد (الکتانی، ۱۹۸۲: ۴۳۰-۴۳۲). این نشریه تا سال ۱۹۳۵ م. به‌طور مرتب منتشر می‌شد. کوچیدن ابوشادی از قاهره به اسکندریه، در این سال باعث توقف آن شد. صدای این مجله و جمعیت آپولو، از صداهای ماندگاری است که آن را هنوز می‌توان از دیواره‌ی زمان شنید، نویسندگان و شاعران آن، اگرچه به عرصه‌های دیگر روی آوردند، اما هم‌چنان به اصول و مبادی آن جمعیت وفادار ماندند. هنوز ردپای این جمعیت و مجله را می‌توان در حوزه‌های مختلف ادبیات عرب مشاهده کرد.

دیری نپایید که این مجله شهره آفاق شد و بسیاری از شاعران صاحب‌نام کشورهای عربی مانند ابوالقاسم الشابی از تونس و ایلیا ابوماضی و الیاس ابوشبکه از لبنان و محمد مهدی جواهری از عراق به این جمعیت پیوستند.

از فعالیت‌های جنبی مجله، نشر دیوان‌های شاعران نوآوری مانند ابوشادی و ابراهیم ناجی و پژوهش‌های انتقادی مانند *رواد الشعر فی مصر مختار الوکیل و أدب الطبیعه* از مصطفی عبداللطیف السحرتی بود. از همان بدو انتشار، این نشریه نشانه تیرهای انتقادی شدیدی قرار گرفت. این انتقادهای بیشتر متوجه ناتوانی شاعران مجله در رعایت «عمودالشعر» و ترجمه و اخذ معانی از شعر اروپایی بود (الدسوقی، ۱۹۷۲: ۵۰۸). ابوشادی این انتقادهای تند را بی‌جواب نمی‌گذارد و هم‌چنان در نیل به اهداف مجله می‌کوشد و تا اندازه‌ای نیز توفیق می‌یابد. از جمله در گسترش شعر آزاد و ترویج شعر

نمایشی و شعر داستانی و سمبلیک موفق می‌شود، هم‌چنین در گسترش آزادی خیال و جمال‌شناسی جدید و تکثر آبخورهای شعری چه در حوزه لفظ و معنی و اهتمام به تلمیح و اشارات داستانی، تاریخی و اساطیری نیز هم.

۴) قدر مشترک‌های سخن و آپولو

بی‌شک این دو نشریه معتدل و جریان‌ساز ایران و مصر دارای چنان ممیزه‌ها و ویژگی‌های ممتازی بوده‌اند که هم باعث سرآمدی و تشخیص آن‌ها در میان نشریات ادبی هم‌عهد خود و بعد از آن شده است و هم باعث جریان‌ساز شدن و تأثیرگذاری آن‌ها بر مجلات و جریان‌های دیگر و بعدی. با آن که از عمر آخرین شماره هر یک از این دو مجله، مدت زیادی نمی‌گذرد، این نشریه‌ها از منابع و مآخذ معتبر به شمار می‌روند و برای محققان حکم دایرةالمعارف دارند.

احصای تمام ممیزه‌های سخن و آپولو، از حوصله این مقال بیرون است. البته در ضمن کتاب‌ها و مقالاتی که در این باره نگاشته شده، به برخی از آن‌ها اشاره شده است. لذا در این جا ممیزاتی را برمی‌شماریم که قدر مشترک‌های هر دو نشریه‌اند و باعث ماندگاری آن‌ها.

۱. هر دو نشریه در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشابهی به منصفه ظهور رسیدند، هر دو به فاصله زمانی نزدیکی بعد از عصر نهضت و مشروطه در تهران و قاهره منتشر می‌شوند.

۲. هر دو مجله ارگان رسمی جمعیت بودند، یکی «جامعه لسانسیه‌های دانشسرای عالی» و دیگر «جماعت آپولو». جالب توجه آن که هر دو جمعیت از بطن جمعیت قبل از خود درآمده و در حقیقت جایگزین آن شده بودند، «جامعه لسانسیه‌ها» جایگزین «جمعیت دانشکده» به رهبری ملک‌الشعراى بهار بود و دیگری جایگزین «جماعت دیوان» به رهبری عباس محمودالعقاد.

۳. هر دو نشریه ضمن وابستگی به سنت، صورت معتدلی از سنت‌گریزی داشتند. این مجلات برخلاف نشریات آوانگارد و رادیکال، ضمن حفظ اعتدال، شعر و ادب هر دو قوم را به سوی دنیای مدرن رهنمون شدند. هر دو مجله، چشم پوشیدن از میراث نیاکان را هم برای هویت ملی و هم برای تحقق آینده ملت خویش زیان‌بخش می‌دانستند و از سوی دیگر تأثیرپذیری از نفحات تمدن جدید و جریان‌های انسانی و هنری جدید را ضروری می‌دانستند، از این رو بود که متهم به محافظه‌کاری شده بودند.

۴. رویکرد اعتدالی هر دو نشریه به ادبیات اروپا به‌ویژه شعر، ترجمه‌ها و نقدهای متعددی که در شماره‌های مختلف هر دو نشریه چاپ شده، گویای این واقعیت است.

۵. شباهت میان چهره‌های برجسته هر دو مجله یکی دیگر از قدر مشترک‌های سخن و آپولوست. خانلری و ابوشادی هر دو مؤسس اصلی این نشریات و ناخدای آن‌ها به شمار می‌رفتند. اگر سماجت آنان نبود، هرگز این دو مجله منتشر نمی‌شد؛ چه به محض خروج هر یک از آنان از قاهره یا تهران، انتشار مجله هم متوقف می‌شود. هر دو شاعرانی بودند که تحت تأثیر استادان بنام سرزمین خود قرار داشتند، یکی متأثر از خلیل مطران بود و دیگری از ملک‌الشعرا بهار. میان شاعران هر دو نشریه نیز شباهت‌هایی را می‌توان یافت، از جمله میان برخی شاعران سرآمد مجله آپولو مانند ابوالقاسم الشابی، ایلیا ابوماضی، محمد مهدی جواهری، الیاس ابوشبکه و برخی شاعران سرآمد مجله سخن مانند فریدون توللی، نادر نادرپور، گلچین گیلانی، فریدون مشیری و ...

۶. اگر بپذیریم که «تحولات شعر فارسی و عربی در این قرن تابعی است از متغیر ترجمه در این زبان‌ها»، بی‌شک سهم سخن و آپولو در این زمینه بسیار است، چه بسامد ترجمه در این نشریات چندان بود که برخی منتقدان این امر را از عیوب آن‌ها به شمار آورده‌اند.

۷. چاپ و انتشار آثار شعری و تحقیقاتی. هر دو نشریه ضمن انتشار مرتب ماهانه، برخی دفترهای شعر و آثار تحقیقاتی را هم منتشر می‌کردند.

۸. بسیاری از چهره‌های شاخص ادبیات عرب و ایران، اول بار توسط همین مجلات شناسایی شدند و اغلب آثار چهره‌های برجسته ادبیات معاصر ایران برای اول بار در مجله سخن منتشر شد از جمله، نادرپور، ابتهاج، اسلامی ندوشن، رسول پرویزی، میرصادقی، زرین کوب و... در مجله آپولو نیز قضیه بر همین منوال بود، سروده‌های ابوالقاسم الشابی و الیاس ابوشبکه برای اول بار در این نشریه منتشر شد.

۹. معیارهای زیبایی‌شناسی و اصول نقد این نشریه به هم نزدیک است، بی‌شک ذوق و روحیه تجددگرایی که وجه غالب شعر و ادب این نشریات بود، بر این معیارها و اصول تأثیرگذار بود.

۱۰. اهتمام هر دو مجله در گسترش شعر تمثیلی و روایی و شعر نمایشی ستودنی است.

۱۱. به دور بودن هر دو نشریه از گرایش‌های سیاسی و حزبی. هم ابوشادی و هم خانلری تمام توش و توان خود را برای گسترش و اصلاح جریان‌های ادبی به کار می‌گرفتند.

۱۲. نظریه‌پردازی هر دو نشریه در حوزه شعر. چنان‌که برخی محققان مانند آدونیس اهمیت این نشریات را در امر نظریه‌پردازی و خلق فضای جدید، به مراتب بیشتر از خلق آثار شعری می‌دانند (آدونیس، ۱۹۸۶: ۱۱۹/۳).

۱۳. جریان‌ساز بودن، هر دو نشریه در حوزه شعر. آن‌ها موفق شدند حال و هوای تازه‌ای را وارد ساختار سنتی شعر فارسی و عربی کنند و ساختار و صورت جدیدی از شعر کشف کنند و شعری را متداول سازند که پلی باشد جهت مقبولیت شعرهای پیشرو و متجدد.

در پایان گفتنی است که ضمن احصای وجوه اشتراک این دو نشریه جریان‌ساز، دو

نکته را نباید از نظر دور داشت؛ نخست این که فعالیت نشریه آپولو در حدود دو دهه پیشتر از سخن در تهران آغاز شد و این نشریه پایگاه اصلی جریان رمانتیسم در جهان عرب به شمار می‌رفت؛ در حالی که رمانتیسم همزمان با انتشار این نشریه، یعنی در دو دهه نخست حکومت رضاخان از رهگذر زبان‌های عربی و ترکی وارد ایران شده بود و تقریباً هم‌زمان با انتشار دوره‌های نخست مجله سخن این جریان فروکش کرده بود و جریان‌های ادبی و فکری جدید غرب مانند رئالیسم، ناتورالیسم، سوررئالیسم و سمبولیسم توسط نویسندگان صاحب‌نام آن به جامعه ادبی و دانشگاهی ما معرفی شد. دو دیگر گستردگی حوزه‌های فعالیت سخن و دیربازی مدت انتشار آن است که با آپولو قابل مقایسه نیست.

پی‌نوشت

۱. دیوان ابوتمام، ۴۷/۲.
۲. ر. ک. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). خانلری. تهران: طرح نو. ۷۶-۸۰.
۳. در باره کارهای ادبی، فعالیت‌های ادبی - فرهنگی و اجتماعی و مشاغل و مناصب مختلف استاد خانلری در مدت حیات پربار ر. ک. همانجا، ۹۵-۳۴۷.
۴. برای تفصیل بیشتر در باره خانلری و مجله سخن ر. ک. «قافله سالار سخن»، مجموعه مقالات درباره خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰؛ افشار، ایرج: «سخنواره»، پنجاه و پنج گفتار پژوهشی، به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری با همکاری هانس روبرت رومیر، طوس، تهران، ۱۳۷۶.
۵. ر. ک. الدسوقی، عبدالعزیز: جماعة أبولو وأثرها فی الشعر الحدیث، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، ۱۹۷۲، ۳۶۵.
۶. درباره جمعیت دیوان ر. ک. المعموش، سالم: الأدب العربی الحدیث، دارالمواسم، بیروت، ۱۹۹۹، ۵۶۷-۵۷۴.
۷. در ربیع‌الاول ۱۳۳۴ انجمن ادبی کوچکی از جوانان ادیب و خوش طبع به نام جرگه ادبی یا

جرگه دانشوری در تهران تشکیل شد. این انجمن در صدد «ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام به آثار فصحای متقدم و ضرورت اقتباس محاسن نثر اروپایی بود.» (یاسمی، ۱۳۱۶: ۱۱۹ و آریز پور، ۱۳۷۲/۲: ۴۳۶-۴۵۲).

۸. احمد زکی ابوشادی، سال ۱۸۹۲ در قاهره متولد شد، در لندن، در رشته بیماری‌های داخلی و عروقی تخصص گرفت. پس از ده سال اقامت در آنجا به قاهره بازگشت و عهده‌دار سمت‌های متعددی شد، آخرین سمت وی ریاست دانشکده پزشکی دانشگاه اسکندریه در سال ۱۹۳۰ بود، در سال ۱۹۴۶ رهسپار نیویورک شد و در ۱۲ نیسان ۱۹۵۵ همانجا دیار فانی را وداع گفت.

۹. در سده نوزدهم دو اصطلاح آپولویی و دیونوسی در نقد ادبی مصطلح شد. به آثار ادبی احساسی و رؤیایی و فردگرا ادبیات آپولویی و به آثار ادبی عقلانی و جمعی ادبیات دیونوسی اطلاق می‌شد. در این زمینه ر. ک. مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی*. تهران: فکر روز. صص ۱۵-۲۰ و:

Cuddon, J. A. *A Dictionary of Literary terms*, New York, 1984. PP. 51-52.

منابع

- آریز پور، یحیی. (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. تهران: زوار.
- ابو تمام. (۲۰۰۰). *دیوان ضبطه و شرحه ایمان البقاعی*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابوالشباب، واصف. (۱۹۸۸). *التقديم و الجدید فی الشعر العربی الحدیث*. بیروت: دارالنهضة العربیه.
- ادونیس. (۱۹۸۶). *الثابت و المتحول*. بیروت: دارالفکر.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۶). *سخنواره*. پنجاه و پنج گفتار پژوهشی. به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری با همکاری هانس روبرت رومیر. تهران: طوس.
- خانلری، پرویز. (۱۳۶۷). *هفتاد سخن*. تهران: توس.
- خفاجی، محمد عبد المنعم. [دون سنه طبع]. *دراسات فی الادب العربی الحدیث و مدارسہ*.

القاهره: التيارات و المذاهب الكبرى. مكتبة الازهر.

الدسوقي، عبدالعزيز. (۱۹۷۲). جماعة أبولو و أثرها فى الشعر الحديث. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

دنیای سخن. (۱۳۶۹). شماره های ۳۵ و ۳۶. مهر و آبان.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). خانلری. تهران: طرح نو.

روانپخش، فاطمه. (۱۳۸۲). «نقش مجله سخن در ادبیات معاصر»، پایان نامه کارشناسی ارشد. زبان و ادبیات فارسی به راهنمایی حبیب الله عباسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۶). حکایت همچنان باقی. تهران: سخن.

سخن. (۱۳۶۳). دوره اول از دی ۱۳۲۲ تا مهر ۱۳۲۲. تهران: علمی. چ دوم.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). شعر معاصر عرب. تهران: سخن.

شمس لنگرودی، محمدتقی جواهری گیلانی. (۱۳۷۷). تاریخ تحلیلی شعر نو. ج ۱. تهران: مرکز.

عباس، احسان. (۲۰۰۱). الاتجاهات الشعر العربی المعاصر. عمان: دارالشروق.

عبود شراد، شلتاغ. (۱۹۹۸). تطور العشر العربی الحديث. دارمجدلاوی للنشر.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: امیرکبیر.

قافله سالار سخن. (۱۳۷۰). مجموعه مقالات درباره خانلری. تهران: البرز.

الکتانی، محمد. (۱۹۸۲). الصراع بین القديم و الجدید فى الأدب العربی الحديث، دارالثقافه. دارالبيضاء.

مجله أبولو. (۱۹۳۲). عدد ابریل. القاهره.

مروستی، شهلا. (۱۳۵۴). فهرست مجله سخن. جلد اول از دوره اول تا هشتم. ۱۳۳۶-۱۳۲۲. فرهنگ ایران: بنیاد.

المعموش، سالم. (۱۹۹۹). الادب العربی الحديث. بیروت: دارالمواسم.

- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی. تهران: فکر روز.
- یاسمی، رشید. (۱۳۱۶). تاریخ ادبیات معاصر. تهران: [بی‌نا].
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۱). چشمه روشن. دیداری با شاعران. تهران: علمی.
- Cuddon, J. A. (1984). *A Dictionary of Literary terms*, New York.

